

نقدی بر ادعای تعارض آیات مکی و مدنی از نظر موضوع دعوت

سیدعلی اکبر ربیع نتاج*

چکیده

مقاله حاضر، بخشی از آرای گلدزیهر خاورشناس معروف مجارستانی در خصوص تعارض نصوص قرآن کریم است در این نوشتار تلاش گردید تا یکی از نظریه‌های این خاورشناس بزرگد در خصوص تعارض آیات مکی و مدنی از نظر موضوع دعوت بررسی گردد.

وی ادعا کرده بوده که دعوت محمد(ص) در دوران اولیه بعثت، به خویشان و نزدیکان و مردم مکه خلاصه می‌شد، اما وقتی که به مدینه درآمد تعدیلی ماهوی در دعوت او پدید آمد و همه مردم عالم موضوع دعوت او قرار گرفتند؛ او اظهار داشت که پیامبر اسلام نمی‌دانست که چه می‌کند! و نمی‌دانست که دین او فراگیر و جهان شمول خواهد شد و برای همین آن را با اصول مناسب با چنین گستردگی مجهز نساخت.

نویسنده کوشش کرده است تا ثابت کند که میان آیات مکی و مدنی قرآن از نظر موضوع دعوت تعارضی نیست، و آیات مکی قرآن نیز مردم جهان را به اسلام فراخوانده است. و دین اسلام دین جهانی است و شبهات جهان شمول نبودن آن منتفی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

قرآن از نخستین روز تلاوتش بر مردم که در دلها به سرعت نفوذ می‌کرد - مورد انتقاد و خرده گیری‌های دشمنان اسلام قرار گرفت. گاهی قرآن را سحر می‌خواندند^۱ و پیامبر را ساحر^۲؛ زمانی می‌گفتند این کتاب شعر^۳ است و پیامبر شاعر^۴؛ گاهی می‌گفتند که چرا قرآن بر شخص

۱- الاحقاف ۷/۲۷

۲- یونس ۲/۱۰

* گروه علوم قرآن و حدیث - دانشگاه مازندران

۳- یس ۶۹/۳۶

۴- الانبیاء ۵/۲۱

معروفی از مکه و مدینه نازل نمی‌شود؟! پاره‌ای از اوقات اظهار می‌کردند پیامبر قرآن را از بشری تعلیم^۲ می‌گیرد و یا قرآن اسطوره‌های گذشتگان است.^۳ یهودیان و مسیحیان و زنادقه نیز، در این خرده‌گیری‌ها بر قرآن و پیامبر (ص) و مسموم کردن اندیشه‌ها علیه آنان، نقش مهمی داشتند. قرآن به دفاع از خود برخاست و تهمت بشری بودن و شعر و سحر بودن را و... از خویش دور ساخت.

در عصر حاضر، خاورشناسان با انگیزه‌های مختلف به تتبع و تحقیق در فرهنگ و آداب شرق اقدام کرده‌اند. «عده‌ای انگیزه دینی و تبشیری داشته‌اند، تعدادی با هدف‌های سیاسی و استعماری، تحقیق در شرق را آغاز کرده‌اند و بعضی انگیزه علمی یا اقتصادی را سرلوحه تحقیق و پژوهش خویش قرار داده‌اند».^۴

در رأس خاورشناسان «گناس گلدزیهر» است که سال‌های دراز به تحقیق و پژوهش در شرق‌شناسی پرداخت. وی کتاب‌هایی در زمینه ادیان شرق به‌خصوص اسلام تألیف کرده است. دو اثر مهم او یعنی کتاب «العقیده و الشریعة فی الاسلام» و کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» است. کتاب «العقیده و فی الشریعة فی الاسلام» به صورت بهترین سلاح در مبارزه با اسلام مورد استقبال قرار گرفت و به زبان‌های زنده دنیا ترجمه گردید. گلدزیهر تلاش کرده است تا شبهاتی بر قرآن وارد کند وی معتقد به تحریف قرآن بود و عمل «عبدالله بن سعد بن ابی سرح»^۵ را دلیل گفتار خود

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱- الزخرف ۳۱/۴۳.

۲- النحل ۱۶/۱۰۳.

۳- النحل ۱۶/۲۴.

۴- السباعی مصطفی، الاستشراق و المستشرقون مالهم و ما علیهم، ص ۱۵-۱۹.

۵- عبدالله بن سعد بن ابی سرح از کاتبان وحی بود و وحی را تحریف می‌کرد، وقتی که پیامبر (ص) به او می‌فرمود: بنویس؛ او الله غفور رحیم؛ او می‌نوشت «والله عزیز حکیم؛ یا به وحی دستور می‌داد که بنویسد: «و الله عزیز حکیم؛ او می‌نوشت «والله علیم حکیم؛ رسول خدا (ص) چون می‌دانست عبدالله سخن او را تحریف می‌کند می‌فرمود: «هو واحد» یعنی یکی است و تفاوتی ایجاد نمی‌کند لذا عبدالله به مردم می‌گفت: محمد نمی‌داند چه می‌گوید، او چیزی می‌گوید و من چیز دیگری می‌نویسم ولی در عین حال به من می‌گوید: «هو واحد، هو واحد» اگر گفته او با نوشته من یکی باشد من هم می‌توانم همانند آیاتی که خداوند نازل می‌کند، نازل سازم به همین جهت خداوند متعال، پیامبر خود را آگاه ساخت و آیه

می دانست انگلذیهر می گفت: قرآن که نخستین پایگاه و منبع دینی مسلمانان است آکنده از تعارض و تناقض می باشد. او آیات مکی و مدنی قرآن را متعارض می دانست و بیان می داشت: که پیامبر (ص) در مکه به موجب وحی، خویشان و اهالی «أم القری» را به اسلام فرا می خواند، اما در مدینه همه جهان موضوع دعوت او قرار گرفتند. در این مقاله به نقد این نظریه می پردازیم و تعارض آیات مکی و مدنی را از نظر موضوع دعوت بررسی می کنیم.

(و من اظلم ممن افتری...و من قال سائل مثل ما انزل الله «انعام/۹۳») را نازل گردانید. (مجلسی محمدباقر، بحارالانوار ج ۸۹ صفحه ۳۶ و حجتی سیدمحمدباقر پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، صفحه ۲۰۶ و ۲۰۷) بعضی از خاورشناسان عمل عبدالله بن سعد بن ابی سرح را دلیل بر تحریف قرآن دانسته اند مثلاً «کازانووا» گمان کرده است که عبدالله بن سعد بن ابی سرح بر قرآن به میزان پنج برابر قرآن منزل افزوده است؛ [عمر بن ابراهیم رضوان، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم و تفسیره، ج ۱، صفحه ۴۴۷ و ۴۴۸].

تحریف قرآن به وسیله عبدالله بن سعد بن ابی سرح به دلایل ذیل صحیح نخواهد بود:

۱- گلذیهر برای اثبات تحریف قرآن به حدیث عبدالله بن سعد بن ابی سرح مرتد استناد کرده است و استناد به حدیث مرتد حجت نخواهد بود (گلذیهر، مذاهب التفسیر الاسلامی، صفحه ۵۱، پاورقی عبدالحمید نجار)

۲- کار عبدالله بن سعد بن ابی سرح چندان دوام نیافت، بلکه عمل او تنها برای یک بار و یا چند بار که دگرگونی ناچیز و اندکی بود اتفاق افتاد. به علاوه، نوع تغییرات این ابی سرح، دگرگونی مهمی در معنای آیه ایجاد نمی کرد و نیز تقلب وی بزودی فاش گردید. (حجتی سیدمحمدباقر - پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، صفحه ۲۰۹ و ۲۱۰)

۳- عبدالله بن سعد بن ابی سرح تنها کاتب وحی پیامبر (ص) نبوده است و پیامبر بیش از چهل کاتب دیگر داشت که قرآن را می نوشته اند، علاوه بر آن پیامبر (ص) قرآن را به جبریل هر سال عرضه می کرد و خداوند نیز محافظت قرآن را به عهده گرفته است (انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون «القیامة ۱۷/۷۵»)، مضافاً آنکه فراوانی در عدم تحریف قرآن آمده است و فریقین بر تحریف نشدن قرآن ادعای اجماع کرده اند (میرمحمدی، بحوث فی تاریخ القرآن و علومه، صص ۳۱۹۵-۳۲۴)

۴- روایات کتابت وحی به وسیله عبدالله بن ابی سرح توأم با اختلاف و به گونه های متفاوت بیان شده است که در اصطلاح علم الحدیث به چنین روایتی «مضطرب» می گویند و روایت مضطرب حجت نخواهد بود (شهید ثانی الرعايه فی علم الدراية، تحقیق و تعلیق عبدالحسین محمدباقر، صفحه ۱۴۶ و ۱۴۷ و صبحی صالح، علوم الحدیث و مصطلحه صفحه ۱۹۲).

تعارض آیات مکی و مدنی از نظر موضوع دعوت

بیان سخن گلدزیهر:

وی می‌گوید: پیامبر (ص) تا زمانی که در مکه بود دعوت او به خویشان و نزدیکان و مردم مکه محدود بود؛ اما وقتی که به مدینه در آمد تبدیلی، ماهوی در دعوت او پدید آمد و افق دعوت او وسیع تر گشت و همه مردم عالم، موضوع دعوت او قرار گرفتند. او می‌گوید: پیامبر (ص) در دوران اقامت در مکه بر اساس آیات «و اندز عشیرتک الاقرین» (سورة الانعام: ۹۲) به اقربا و خویشاوندان و مردم مکه و اطراف آن فکر می‌کرد. اما وقتی که وارد مدینه شد افق دید او گسترده تر گردید و منطقه جغرافیایی نامحدودی را می‌دید و اظهار می‌داشت که خداوند او را برای جهانیان فرستاده و او «رحمة للعالمین» است: (سورة الانبیاء: ۱۰۷)^۱ و این موضوع در بسیاری از آیات قرآن تکرار شده است که تعالیم او جهانی است و او پیامبر جهانیان می‌باشد و در دعوت خویش به تمام انسانها توجه دارد.^۲

گلدزیهر پس از مقاله «محمد و اسلام» وارد بحثی تحت عنوان «تطور فقه» گردید و طی آن این سخن را به میان آورد که محمد (ص) نمی‌دانست دین او گسترش می‌یابد و وارد زمین‌های پهناوری می‌شود و برای همین محمد (ص) اسلام را به اصول مناسب با چنین گسترش مجهز ساخت و در اصول آن، فراگیری و شمولی بیش از نیاز بعضی از عرب را که در زمان او به اسلام گرویدند در مدنظر قرار نداد. اما این که او اصول و مبانی فقهی را آورده باشد و همه اعصار و اعصار را فراگیرد چنین چیزی تحقق نیافته است؛ زیرا محمد (ص) نمی‌دانست که چه می‌کند! گلدزیهر، سخنی را از «آناتول فرانس» در قصه‌ای به نام "Sur/la/pierre/blanche" که این قصه را برای دانشمندانی که به احوال عوالم پیشین اهتمام داشته‌اند نقل می‌کند. آناتول فرانس در این قصه می‌گوید: کسی که دینی را بنیاد می‌کند نمی‌داند به چه کاری دست یازیده است یعنی بندرت اتفاق می‌افتد که مؤسس یک دین پایان و فرجام اثر عمل خویش را در تاریخ جهان درک کند. سپس گلدزیهر می‌گوید: و این سخن به بهترین وجهی بر محمد صادق است.^۳ یعنی محمد

۱- گلدزیهر العقیة و الشریعة فی الاسلام، ص ۳۱. ۲- همان کتاب، ص ۳۲.

۳- همان کتاب، ص ۳۵-۳۶.

(ص) نمی دانست که چه می کند!! و آینده دینش چه خواهد شد!!

نقد و بررسی این نظریه:

۱- تناقض سخن گلدزیهر

وی می گوید: پیامبر جز مگه جای دیگری را نمی شناخت و اصلاً فکر نمی کرد که دین او فراگیر خواهد شد و حال این که او در مقاله محمد و اسلام^۱ آیاتی^۲، را بیان می کند که به موجب این آیات، اسلام دین جهانی است و پیامبر به همه عالم توجه دارد؛ هم چنان که نامه های دعوت او به امپراطوران بزرگ روم و ایران و... این مطلب را ثابت می کند. که غیر از سرزمین عربستان وی جاهای دیگر را می شناخته است.

گلدزیهر در مقاله «الزهد و التصوف» حدیثی از پیامبر (ص) در خطاب به مسلمانان بدین مضمون نقل می کند:

«خسرو هلاک شد و خسروی پس از او نخواهد بود، قیصر روم نیز هلاک خواهد شد و قیصری پس از او نخواهد بود، و من به آن کس که جانم در دست اوست سوگند یاد می کنم که ثروت ها و خزائن آنها را در راه خدا هزینه خواهید کرد.»^۳

بنابراین، پیامبر (ص) خوب می دانست که کار دین او بزودی اوج خواهد گرفت و موانع یکی پس از دیگری سقوط خواهد کرد و دین او جهانی خواهد شد. و به قول دکتر محمد یوسف موسی استاد دانشگاه الازهر مصر^۴، قرآن بر این پیروزی تأکید کرده است به این صورت که:

«وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم الدین الذی ارتضی لهم»^۵: خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه

۱- گلدزیهر، العقیده و الشریعة فی الاسلام ص ۳۲ و ۳۱.

۲- سوره یوسف آیه ۱۰۴ سوره الصافات آیه ۱۸۷ سوره القلم آیه ۱۵۲ سوره التکویر: ۲۷.

۳- گلدزیهر العقیده و الشریعة فی الاسلام، ص ۱۲۳. ۴- همان کتاب، ص ۳۵.

کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند.

پس از رحلت پیامبر (ص)، مسلمین به وعده‌های قرآن و سخنان حضرت رسول (ص) مبنی بر فتح و پیروزی، دل قوی داشتند و موج اشتیاق و امید ظفر و پیروزی در دل‌هایشان پدید آمد و کاخ «کسری» و «قیصر» را یکی پس از دیگری به تصرف در آوردند. و اسلام را در سرتاسر گیتی گسترش دادند و وعده پیامبر (ص) به دست آنها به اجرا درآمد. اکنون با وجود این همه نصوص، مبنی بر پیروزی مسلمین چگونه می‌توان باور کرد که محمد (ص) به هنگام ارایه دین خود نمی‌دانست چه می‌کند؛ و آینده کارش چیست؟!

۲- منابع سخن گلدزیهر

گلدزیهر تکرارکننده سخن خاورشناسان و مسیحیانی است که با استفاده از منابع ضعیف و برداشت‌های نادرست از قرآن، چون اسلام را سد راه استیلای غرب بر شرق می‌دانند می‌خواهند با انواع خدعه و نیرنگ این دین را تضعیف سازند.

پیشتر همین سخن گلدزیهر (م ۱۹۲۱ میلادی) را خاورشناسی انگلیسی به نام «ویلیام مویر» (م ۱۹۰۵/میلادی) بر زبان آورده بود.

مویر گفته است: «عقیده جهانی بودن اسلام بعدها به وجود آمد خود محمد (ص) علیرغم اخبار و احادیث زیاد نبوی، چنین عقیده‌ای به فکرش نرسیده بود و اگر هم رسیده بود مبهم و تاریک بود، زیرا جهان وی همان عربستان بود و دین جدید برای همان جا مقرر گردیده بود، رسالت محمد (ص) از بدو بعثتش تا آخر عمر تنها متوجه اعراب بود و بس»^۱

شبهه مویر نخستین بار از طرف بعضی از یهودیان عنوان شده و اخیراً دکتر روشنگر نویسنده کتاب «بازشناسی قرآن» نیز این شبه را بیان کرده است.^۲ «عده‌ای از مسیحیان با بیان آیاتی چون: «انا انزلناه قرآناً عربیاً»^۳

۱- نظری مرتضی، بررسی شیوه‌های تبلیغاتی مسیحیت علیه اسلام، ص ۱۴۶. به نقل از: The Captiphate, P.P.

۲- براتی عباسعلی نقد بازشناسی قرآن، ص ۳۸.

۳- یوسف ۲/۱۱۲.

«و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه»^۱ - «هو الذي بعث في الاميين رسولا منهم»^۲ - «وانذر عشيرتک الاقربین»^۳ و ...

گفته اند که محمد (ص) تنها برای عرب ها مبعوث گردید و اطاعت از او بر غیر عرب واجب نخواهد بود^۴، غافل از این که فکر و اندیشه مرز نمی شناسد. یکی از محققان عصر حاضر می نویسد:

«حضرت مسیح در فلسطین به دنیا آمد و اکنون پیروانش در مغرب زمین از فلسطین بیشتر است. اکثر مردم اروپا و امریکا مسیحی هستند؛ بر عکس مردم فلسطین یا مسلمانند یا یهود. مسیحی ها در این منطقه در اقلیت به سر می برند. با وجود چنین اوضاعی آیا مردم اروپا و امریکا نسبت به دین مسیح احساس بیگانگی می کنند؟ نمی دانیم چرا خود اروپائیان که القاکننده این افکار تفرقه افکن هستند هرگز درباره خود بدینگونه نمی اندیشند و فقط به ابزارهای استعماریشان این افکار را تلقین می کنند! اگر اسلام برای غیر عرب بیگانه است، مسیحیت نیز برای اروپایی و امریکایی بیگانه است.

بودا، در هند متولد شد اما میلیون ها نفر مردم چین و سرزمین های دیگر به آیین وی گرویده اند. زرتشت اگرچه آیینش توسعه پیدا نکرد و از حدود ایران خارج نشد، ولی با این همه مذهب زرتشتی در بلخ بیشتر رواج یافت تا آذربایجان که می گویند مهد و زادگاه زرتشت بوده است.

مگه نیز که مهد پیغمبر اسلام بود این دین را در آغاز پذیرا نشد ولی مدینه که فرسنگ ها از این شهر فاصله داشت از آن استقبال کرد.^۵

بنابراین، فکر و اندیشه و فرهنگ مرز نمی شناسد. و این معقول نیست که بگوییم، چون اسلام که از سرزمین عربی برخاست مخصوص عرب ها است. و به قول استاد مطهری این شبهه را بعضی از مستشرقین به منظور تحریک احساسات ایرانیان علیه اسلام مطرح کردند. و علت آن نیز روشن

۲- جمعه ۲/۶۲.

۱- ابراهیم ۴/۱۴.

۴- للقرافی، الاجوبة عن الاسئلة الفاجرة، ص ۶۸

۳- شعراء ۲۶/۲۱۴.

۵- مطهری مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۸-۶۹.

است؛ زیرا آنها احساس کرده‌اند که در سرزمین‌های شرقی و اسلامی فقط اسلام است که به صورت یک فلسفه مستقل زندگی، به مردم آن روح استقلال و مقاومت می‌دهد، اگر اسلام نباشد چیز دیگری که بتواند با اندیشه‌های استعماری مبارزه کند وجود ندارد.^۱

اسلام همانند خورشیدی است که متعلق به سرزمین خاصی نیست. اگر بعضی از سرزمین‌ها از پرتو نور خورشید اسلام کمتر بهره برده‌اند به خودشان مربوط است و نقص و خرده‌ای در خورشید وجود ندارد و پرتو افکنی مهر درخشان اسلام، از آغاز ظهورش به سرزمین خاصی محدود نبوده، و از گستردن نورش در عالم دریغ نداشته است.

۳- آیات جهان شمولی بودن اسلام در سوره مکی

گلدزیهر ادعا می‌کند که اسلام در ابتدای ظهورش به مردم مکه و اطراف آن توجه داشت و فقط می‌خواست مردم قریش را هدایت کند؛ ولی پس از آن که پیشرفتی در کارش احساس کرد و به دوره اقامتش در مدینه منتقل شد، تصمیم گرفت دعوت خویش را به همه ملل عرب و غیر عرب تعمیم و گسترش دهد.

این یک سخن غیرمنصفانه و به دور از تحقیق است؛ و هیچ مدرک و دلیل تاریخی بر صحت آن وجود ندارد و با توجه به قرائتی که از آیات مکی به دست می‌آید مغایرت دارد. در قرآن مجید آیاتی است که نزول آنها در مکه و قبل از هجرت بوده است و در عین حال جنبه جهانی دارد. ما نمونه‌هایی از آیات را در نقض سخن گلدزیهر یاد می‌کنیم:

الف - «ان هو الاذکر للعالمین»^۲: نیست این، مگر یک تذکر و بیدارباش برای جهانیان. سوره تکویر یکی از سوره‌های کوتاه قرآن است. این سوره، از سوره‌های مکی است که در اوایل بعثت نازل شده است.^۳

ب - «وارسلناک الاکافه للناس بشیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون»^۴: ما تو را نفرستادیم مگر

۲- التکویر ۲۷/۸۱

۱- همان کتاب، ص ۶۸-۶۹

۳- مطهری مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۶۵

۴- سبأ ۲۸/۳۴

این که عموم بشر را به (رحمت خدا) بشارت دهی و از عذابش آنان را بترسانی؛ لکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند.

ج - «و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادى الصالحون»^۱: «و تحقیقاً در زیور پس از ذکر چنین مقرر نمودیم که زمین را بندگان صالح من به میراث می گیرند.»
د - «یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً»^۲: «ای مردم، من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.»

ه - «و ما ارسلناک الا رحمة للعالمین»^۳: «ای رسول ما [ترا جز به عنوان رحمت برای همه اهل عالم مأمور نساختم.»

ی - «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً»^۴: «بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشدار دهنده ای باشد.»

آیات مذکور که همگی آنها در سوره مکی آمده اند^۵ مبین آن است که محمد (ص) از آغاز بعثت و قبل از هجرت دعوت خویش را آنچنان گسترده معرفی کرده که تمام جهان را زیر پوشش خود قرار می دهد.

۴- تفسیر کلمه «أمّ القری»

«و کذالک اوحینا الیک قرآناً لتندز أمّ القری و من حولها و تندیوم الجمع لاریب فیہ»^۶: «و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی، و از روز گرد آمدن [خلق] که تردیدی در آن نیست. بیم دهی.»
عموم مفسرین کلمه «ام القری» را به مکه تفسیر کرده اند که منظور از انداز أمّ القری - بر سبیل

۱- الاعراف ۱۵۷/۷.

۲- الاعراف ۱۵۷/۷.

۳- الفرقان. ۱/۲۵.

۴- الانبیاء ۱۰۷/۲۱.

۵- زرکشی - البرهان فی علوم القرآن ج ۱ ص ۳۴۹ و دکتر محمود رامیار، تاریخ قرآن، ص ۶۱۱-۶۱۲.

۶- الشوری ۷/۴۲.

مجاز در اسناد - مردم مکه هستند.^۱ در نتیجه، از آیه چنین استفاده می‌شود که محمد (ص) برای مردم مکه و اطراف آن مبعوث شده است، تا با زبان عربی هدایت و ارشاد قوم عرب را به عهده گیرد. در این صورت می‌توان گفت که تبعیت اسلام برای غیر عرب لزومی ندارد.

پاسخ به این شبه با معنای کلمه «أُمُّ الْقُرَى» روشن می‌شود، و آن این که: کلمه «أُمُّ الْقُرَى» که یکی از نام‌های مکه است از دو واژه، ترکیب یافته: «ام» که در اصل به معنای اساس و ابتدا و آغاز و مرجع هر چیزی است و مادر را هم به همین جهت «ام» می‌گویند که اساس و اصل و مرجع فرزندان است.^۲ و «قری» که جمع قریه است به معنای هر گونه آبادی و شهر است، اعم از شهرهای بزرگ و کوچک یا روستا، که شواهد زیادی نیز در قرآن بر این معنا وجود دارد.

راغب اصفهانی نیز به این نکته تصریح می‌کند که نخستین نقطه‌ای که از زیر آب سربرآورد کعبه بود، و سپس خشکی‌های زمین از کنار آن گسترش یافتند که از آن به عنوان «دحوالارض» یعنی گسترش زمین، یاد شده است.^۳

با توجه به آنچه گفته شد روشن می‌شود که اگر به مکه «أُمُّ الْقُرَى» می‌گویند برای این است که اصل و آغاز پیدایش تمام خشکی‌ها و آبادی‌های روی زمین می‌باشد.

بنابراین «و من حولها» (کسانی که پیرامون مکه هستند) تمام مردم روی زمین را در بر می‌گیرد.^۴

اگر بپذیریم که مراد از «ام القری و من حولها» مردم مکه و اطراف آن است این شبه پذیرفتنی نیست؛ زیرا می‌دانیم اسلام تدریجاً گسترش یافت و دعوت پیامبر (ص) دارای مراحل بوده است.

پیامبر (ص) نخست ماوریت یافت بستگان نزدیک خود را انداز کند.^۵ تا کانون و هسته مرکزی اسلامی شکوفا شود و آماده گسترش گردد. سپس در مرحله دوم، پیامبر (ص) مأمور شد

۱- طبرسی، مجمع‌البیان، ۲۲/۹، طباطبایی، المیزان فی تفسیرالقرآن ۱۸/۱۸.

۲- راغب، اصفهانی، المفردات، ص ۱۸. ۳- همان کتاب، ص ۱۸.

۴- مکارم شیرازی ناصر، ج ۵، ص ۳۴۴، ج ۲۰، ص ۳۵۷-۳۵۸.

۵- و انذر عشیرتک الاقربین، الشعرا ۲۶/۲۱۴.

ملت عرب را تبلیغ و انذار کند.

«وانه لذكر لك و لقومك»: این قرآن مایه تذکر تو و قوم توست. هنگامی که پایه‌های اسلامی در میان این قوم قوی و مستحکم شد پیامبر (ص) مأموریت گسترده تری یافت و مأمور انذار جهانیان گردید؛ چنانکه در آیه اول سوره فرقان می‌خوانیم:

«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً»:

فرخنده و پربرکت است خداوندی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا جهانیان را انذار کند. (و آیات فراوان دیگر)

برای همین مأموریت بود که پیامبر (ص) به سران بزرگ جهان آن روز در خارج از شبه جزیره عرب نامه نوشت و کسرها و قیصرها و نجاشی‌ها را به اسلام دعوت کرد «تعداد نامه‌ها به شاهان و بزرگان اقوام ملل را به ۳۱۶ نامه رسانده‌اند که از این نامه‌ها هم اکنون ۱۸۵ نامه در دست است»^۱ که متن بسیاری از این نامه‌ها را می‌توان یافت^۲ و نیز براساس همین سیاست بود که پیروانش برای تبلیغ اسلام بعد از او به طرف امپراتوری‌های عظیم رهسپار شدند و به همه جهان گام نهادند و تعالیم اسلام را در دنیا منتشر ساختند زیرا سخن پیامبر که فرمود: «لایبقی علی ظهر الارض بیت مدر ولا وبر الا ادخله الله کلمة الاسلام»^۳.

و - قال النبی (ص): «زویت لی الارض فاریت مشارقها و مغاربها و سیبلغ ملک امتی ما زوی

[لی] منها»^۴

۱- خسروشاهین سید هادی ترجمه قرآن به زبان اروپایی، کیهان اندیشه، شماره ۲۸۰ صفحه ۲۱۰

۲- ر، ک، آیه الله آقای علی احمدی، مکاتب الرسول، و پرفسور محمد حمیدالله، «الوفائق السیاسیه و زرقانی، مناهل العرفان ج ۲، صفحه ۱۶۸ و ...

۳- طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۲۵. در سراسر کره زمین، خانه‌ای از سنگ و گل و یا خیمه‌هایی از کرک و مو باقی نمی‌ماند مگر این که خداوند اسلام را در آن وارد کند.

۴- ابوالمعانی نصرالله منشی، کلیه و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی تهران، ص ۴ پیامبر (ص) فرمود: زمین از برای من در نور دیده و جمع کرده شد، پس به چشم من آورده شد مشرق‌های آن و مغرب‌های آن، و زود باشد که پادشاهی امت بتمامی آن جای‌ها برسد که از برای من در نور دیده شد.

را آویزه گوش قرار دادند و دل قوی داشتند و همتشان به اوج عظمت برآمده بود و موج اشتیاق و امید در دل‌هایشان برخاست و چنان بود که گویی با پیروزی هم عهد بودند و با فتح و نصرت وعده و قراری داشتند؛ و از این رو در فتح ظفر هیچ گونه شک و تردید به خود راه نمی‌دادند. در آن هنگام، که سپاهیان اسلام ایوان سفید و تابناک کسری را در برابر خود دیدند، ضرابین الخطاب^۱ در حمله به تیسفون بانگ تکبیر سر داد و گفت: این کاخ سفید کسری است، این همان چیزی است که خدای رحمان وعده داد و پیغمبرش از سر صدق درباره آن سخن گفت. آنگاه مسلمین بانگ تکبیر برآوردند و شهر مداین را بگشودند. سپس فرمانده سپاه اسلام، به کاخ سفید فرود آمد و آن جا را نمازخانه ساخت، و نماز بگزارد^۲، و این سخن خدا را در نماز بر زبان راند که:

«چه بسا بوستان‌ها و چشمه‌سارها و کشتزارها و مقام ارجمند، و وسایل کامرانی و زندگانی خوش و مرفه‌ی که از خود به جای نهادند و ما آن را به وراثت قومی دیگر در آوریم»^۳

نتیجه گیری

از آنچه گذشت معلوم می‌شود که میان آیات مکی و مدنی قرآن از نظر موضوع دعوت تعارضی نخواهد بود و قرآن در دوران مکی مردم جهان را به اسلام دعوت کرده است و پیامبر اسلام (ص)، از همان آغاز جهانی بودن اسلام را مدنظر داشته و آن را با اصول مناسب آن مجهز ساخته بود. به لحاظ اینکه مکه آغاز کار بوده است. و مخالفین فراوان، ضرورت اقتضا می‌کرد که ابتدا دعوت را به صورت سری و غیر علنی مطرح سازد و آنگاه از خویشان و اقربین آغاز نماید و پس از استحکام پایه‌های اسلامی و افزونی مسلمانان دعوت خویش را عمومی ساخته و به جهانیان

۱- مردی شجاع و شاعر و سوار و از قاندین عرب و صحابی بود وی روز غزوه احد و خندق با مسلمین جنگ‌های سخت کرد و در فتح مکه اسلام آورد و در فتح شام نیز وی را حکایاتی است و درفش کاویانی را در جنگ قادسیه وی بدست گرفت - لغتنامه دهخدا - ج صفحه ۱۳۳۶۶ چاپ جدید

۲- غزالی محمد، محاکمه گلدزیهر صهیونیست، ترجمه صدر بلاغی، ص ۸۱

۳- الدخان ۲۵/۲۷-۲۸

ابلاغ نماید.

منابع

- ابوزهره، محمد، المعجزة الكبرى يا معجزة بزرگ، با ترجمه محمود ذبیحی، چاپ اول ۱۳۷۰
ناشر بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی مشهد.
- ادوارد سعید، شرق شناسی، با ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ناشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- الاصفهانى - الراغب، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق نديم مرعشلى چاپ، مطبعة التقدم العربی، ۲۲ شوال ۱۳۹۲.
- بدوى - عبدالرحمن، الدفاع عن القرآن ضد متقديه، مكتبة مدبولی الصغير چاپ اول.
- بهبانی - محمدعلی بن علامه، رادشبهات الكفار، تحقیق سيدمهدی رجایی انتشارات انصاریان قم، چاپ اول ۱۴۱۳ هـ.ق.
- حسن عباسی - دکتر فضل، قضايا قرآنية في الموسوعة البريطانية، نقد، مطاعن و ردشبهات، چاپ عمان، دارالبشير.
- حكيم - محمداقرا، المستشرقون و شبهاتهم حول القرآن، منشورات مؤسسه العلمی المطبوعات. رازی - محمد بن ابی بکرین عبدالقادر، اسئلة القرآن و اجوبتها، تحقیق محمدعلی انصاری رضوان - عمر بن ابراهیم، آراء المستشرقین حول القرآن الکریم، دراسة و نقد، چاپ اول ۱۴۱۳ هـ ۱۹۹۲ م، دارطیبه، ریاضی.
- زرقانی - محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، دارالکتب العلمیه بیروت، لبنان، چاپ اول ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م.
- زرکشی - محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تخریج و تعلیق، مصطفی عبدالقادر عطا، دارالفکر، بیروت، لبنان
- زمخشری - جارالله، الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، دارالفکر، بیروت
- السباعی - الدكتور مصطفی، الاستشراق و المستشرقون مالهم و ما علیهم، چاپ سوم ۱۹۸۵ م، بیروت، المكتبة الاسلامی.

السیوطی - جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم ۱۳۶۳ هـ ش، الناشر منشورات الرضى - بیدار.

طباطبائی - محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه. طبرسی - ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ ق، ۱۳۳۹ ش.

گلدزیهر - اگناس، مذاهب التفسیر الاسلامی، با ترجمه و پاورقی دکتر عبدالحلیم نجار، چاپ مصر، الناشر مكتبة الخانجي، ۱۳۷۴ هـ - ۱۹۵۵ م.

گلدزیهر - اگناس، العقیده و الشریعة فی الاسلام، ترجمه به عربی از محمد یوسف موسی، عبدالعزیز عبدالحق، دارالرائد العربی، لبنان ۱۹۴۶.

علی الصغیر - الدكتور محمد حسین، دراسات قرآنیة، مركز النشر مكتب الاعلام الاسلامی. مجلسی - محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدر اخیار الائمة الاطهار، مؤسسة الوفاء، بیروت - لبنان.

مرتضی عاملی - سید جعفر، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، مترجم حسین تاج آبادی، چاپ دوم ۱۳۷۳، دفتر تبلیغات اسلامی.

مطهری - مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. مکارم شیرازی - ناصر و...، تفسیر نمونه، چاپ مدرسه امیرالمؤمنین (ع) قم ۱۳۶۶ هـ ش.

دارالکتب اسلامیة پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معرفت - محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ناشر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، چاپ دوم

۱۳۶۶ هـ ش.

الهادی - یوسف، الرحلة المدرسية، بحوث فی التورات و الانجیل، بی تا.